

جبهه



۸۶۶
۰۴ ۱۲ ۱۶



فرا تر از یک جنگ

ایران در برابر یک جبهه جهانی ایستاده است

یک هفته از آغاز تجاوز آمریکایی-صهیونیستی به خاک ایران گذشته است. در این روزها نیروهای مسلح کشورمان با تمام توان در برابر دشمن صف‌آرایی کرده‌اند و میدان نبرد به صحنه‌ای از مقاومت و دفاع تبدیل شده است. اما آنچه امروز در حال وقوع است، تنها یک جنگ معمولی میان دو کشور نیست. ابعاد این درگیری بسیار گسترده‌تر از آن است که بتوان آن را صرفاً تقابل ایران با آمریکا یا رژیم صهیونیستی دانست. بسیاری از تحلیلگران به همین دلیل از آن با عنوان «جنگ جهانی سوم» یاد می‌کنند؛ نبردی که در آن ایران در برابر شبکه‌ای از قدرت‌های نظامی، اطلاعاتی و اقتصادی ایستاده است.

در این جنگ، مجموعه‌ای از کشورها با امکانات مختلف نظامی، اطلاعاتی، سایبری و اقتصادی در کنار جبهه آمریکایی-صهیونیستی قرار گرفته‌اند. در واقع ایران نه با یک ارتش، بلکه با شبکه‌ای جهانی از تجهیزات، پایگاه‌ها، سامانه‌های دفاعی و ساختارهای اطلاعاتی روبه‌روست. با این حال نیروهای مسلح کشورمان در دل همین شرایط پیچیده، در حال مقابله با یکی از گسترده‌ترین ائتلاف‌های نظامی معاصر هستند. در این پرونده نگاهی می‌اندازیم به ابعاد این شبکه گسترده که نشان می‌دهد چرا امام شهیدمان این نبرد را فراتر از یک جنگ منطقه‌ای می‌دانستند و به دشمن هشدار آن را داده بودند.

میزبانی شبکه‌های خرابکارانه

پایش تنگه باب‌المنذب و میزبانی گروه‌های معارض



جیبوتی



مراکش



آلبانی

مثلث فرماندهی عملیات

مدیریت شبکه ماهواره‌ای، هدایت حملات موشکی استراتژیک، جنگ الکترونیک و سوخت‌رسانی هوایی



بریتانیا



اسرائیل



آمریکا

سداول پدافندی و رهگیری موشک‌ها

رهگیری موشک‌های کروز در ارتفاع پایین و پوشش راداری برد بلند



دانمارک



سوئد



رومانی



اردن



نیوزیلند



فنلاند



استونی



استرالیا



کانادا

جبهه سایبری و جنگ روانی

حملات سایبری تهاجمی، رمزنگاری ائتلاف و مدیریت جنگ روانی



کویت



عربستان



امارات



بحرین



قطر



قبرس

پایگاه‌های فرماندهی و شنود منطقه‌ای

میزبانی ستادهای فرماندهی، پایگاه‌های شناسایی و ایستگاه‌های استراق‌سمع



کرواسی



نروژ



هلند



ایتالیا



فرانسه

عملیات دریایی در مدیترانه و دریای سرخ

عملیات ضدیر دریایی، مین‌روبی و گشت‌زنی دریایی



پاراگوئه



آرژانتین



کره جنوبی



ژاپن

فشار اقتصادی و حقوقی بین‌المللی

قطع مبادلات انرژی، بلوکه کردن دارایی‌ها و فشار حقوقی



دیوار ۱۶ لایه پدافندی

موشک‌های ایرانی برای رسیدن به هدف باید از شبکه‌ای پیچیده عبور کنند؛ ماهواره‌های هشدار سریع آمریکا (SBIRS) شلیک را رصد می‌کنند، رادارهای گسترده از ترکیه تا سرزمین‌های اشغالی مسیر موشک را قفل می‌کنند. در مراحل بعد سامانه‌های «پیکان ۳» و ناوهای مجهز به SIM-۳ در مدیترانه و دریای عمان وارد عمل می‌شوند. اگر موشک از این مرحله عبور کند، سامانه‌های «تاد» و «پاتریوت» در عربستان، امارات و سرزمین‌های اشغالی سد بعدی هستند. در لایه‌های نهایی «فلاخن داوود»، «گنبد آهنین» و تیربارهای «فالانکس» برای انهدام موشک در چند صد متری هدف فعال می‌شوند. هم‌زمان جنگ سایبری، اختلال GPS و پارازیت‌های ماهواره‌ای تلاش می‌کنند هدایت موشک را مختل کنند. مدرن‌ترین فناوری‌های نظامی جهان به میدان آمده‌اند تا مانع رسیدن حتی یک موشک ایرانی شوند؛ اما آنچه در ویرانه‌های تل‌آویو و پایگاه‌های آمریکا در منطقه دیده می‌شود، روایت دیگری از این نبرد بزرگ را بازگو می‌کند.

مشهد؛ پناهگاهی برای همدلی

شهری که چراغ‌هایش برای هم‌وطنان روشن است

مردم همیشه‌مهربان مشهد

اما آنچه این شب‌ها را خاص‌تر می‌کند، فقط این حضور خیابانی نیست. مهربانی مشهدی‌ها لایه‌ای عمیق‌تر دارد. در روزهایی که برخی از هم‌وطنان تهرانی و مردم شهرهای غربی به ناچار خانه‌هایشان را ترک کرده‌اند و جلوه به مشهد پناه آورده‌اند، جلوه دیگری از مهمان‌نوازی این شهر دیده می‌شود. در نرم‌افزار دیوار، آگهی‌های زیادی منتشر شده که قلب هر خواننده‌ای را گرم می‌کند. خانه‌هایی که بدون هیچ چشمداشتی در اختیار هم‌وطنان قرار می‌گیرد. یکی نوشته است: «تهران‌های عزیز



این‌روزها مشهد حال‌وهوای دیگری دارد. در حالی که بسیاری از شهرهای غربی و مرکزی کشور زیر فشار حملات دشمن آمریکایی-صهیونیستی روزهای سختی را می‌گذرانند، شب‌های شهر امام رضا (ع) به صحنه‌ای از همبستگی و غیرت ملی تبدیل شده است. خیابان‌ها مملو از مردمی است که با پرچم‌های سهرنگ ایران، حمایت خود را از رزمندگان و مدافعان امنیت کشور اعلام می‌کنند. انگار هر کس در دل خود احساس کرده که باید سهمی در این ایستادگی داشته باشد.

انتشار پیام امید

در میان این جمعیت‌های شبانه، هر گروه به شکلی پیام امید می‌فرستد. نوجوان‌ها با دست‌نوشته‌های ساده

اما پر از احساس، برای حفظان امنیت آرزوی پیروزی می‌کنند. مادران با مهربانی همیشگی‌شان بسته‌های کوچک تنقلات آماده می‌کنند تا کودکان حاضر در این تجمع‌ها شاد بمانند و فضای شهر رنگ اضطراب نگیرد. مردان نیز با پرچم‌گردانی در خیابان‌ها، تصویر اقتدار و ایستادگی را به نمایش می‌گذارند؛ گویی شهر می‌خواهد به دشمن بگوید که مردم هنوز در میدان هستند.

اگر به مشهد آمیدید، یک آپارتمان ۷۵ متری میله را رایگان در اختیار شما می‌گذاریم. دیگری نوشته است: «یک آپارتمان دو خوابه دارم و تنها زندگی می‌کنم؛ دوستانی که از شهرهای درگیر جنگ می‌آیند، می‌توانند رایگان اینجا بمانند.» مشهد این‌روزها فقط یک شهر نیست؛ پناهگاهی برای همدلی است. شهری که چراغ‌هایش برای هم‌وطنان روشن نگه داشته است.

آتش باران خشم ایران

توان عملیاتی ایران در روزهای اخیر معادلات دشمن را برهم زد

یک هفته از آغاز جنگ می‌گذرد، جنگی که با تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به خاک ایران آغاز شد. اما خیلی زود به صحنه‌ای تبدیل شد که قدرت عملیاتی ایران، بسیاری از تحلیلگران و حتی فرماندهان دشمن را شگفت زده کرد. دامنه حملات موشکی و پهپادی ایران به سرزمین‌های اشغالی و پایگاه‌های آمریکا در منطقه، نشان داد که این نبرد فقط یک پاسخ محدود نیست، بلکه بخشی از یک راهبرد گسترده برای تغییر موازنه در میدان است. در روزهای چهارم، پنجم و ششم جنگ، مجموعه‌ای از عملیات‌های مهم انجام شد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها در ادامه مرور می‌شود.

ضربه به چشم راداری آمریکا

یکی از مهم‌ترین اتفاقات این روزها، حمله به یک سایت رادار راهبردی در نزدیکی پایگاه هوایی العدید قطر بود. روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارانتوت نوشت: «یک پهپاد انتحاری ارزان قیمت ایرانی که شاید فقط چند هزار دلار هزینه تولید داشته، بخشی از سامانه هشدار زود هنگام آمریکا به ارزش حدود ۱.۱ میلیارد دلار را از کار انداخته است.» پس از این حمله، خبرنگاران اسرائیلی اذعان کردند زمان هشدار موشکی در سرزمین‌های اشغالی از حدود ۵ تا ۱۵ دقیقه به تنها ۱ تا ۲ دقیقه کاهش یافته است.

موشک‌ها در قلب فرودگاه بن‌گوریون



در ادامه عملیات‌های موشکی، نیروی هوافضای سپاه در موج نوزدهم عملیات «وعده صادق ۴» با شلیک موشک‌های بالستیک خرمشهر با کلاهک‌های سنگین، فرودگاه بن‌گوریون در قلب سرزمین‌های اشغالی را هدف قرار داد. منابع رسانه‌ای اسرائیل نیز اصابت موشک ایرانی به این فرودگاه را تأیید کردند.

شکار پهپادها در آسمان ایران



در همین مدت شبکه پدافند هوایی کشور نیز عملکرد قابل توجهی داشت. پهپادهای پیشرفته‌ای از جمله MQ-۹ آمریکایی، هرون، هرمس و اورینتر در مناطق مختلفی از جمله تبریز، تهران، اصفهان، خرم‌آباد و بوشهر ساقط شدند. ارتش اعلام کرد یک پهپاد MQ-۹ در آسمان لرستان و یک پهپاد هرمس ۹۰۰ در حوالی تهران هدف قرار گرفته و منهدم شده‌اند. شبکه CBS نیز نابودی ۳ پهپاد MQ-۹ آمریکایی در جریان عملیات علیه ایران را تأیید کرد.

ضربه به ناو هواپیمابر آمریکا

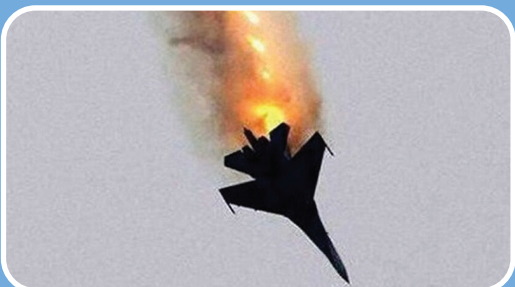


در دریا نیز تحولات مهمی رخ داد. ناو هواپیمابر «آبراهام لینکلن» که برای مدیریت تنگه هرمز تا فاصله ۳۴۰ کیلومتری مرزهای ایران در دریای عمان نزدیک شده بود، هدف پهپادهای نیروی دریایی سپاه قرار گرفت و به همراه ناوهای همراه خود، مجبور به عقب‌نشینی شد؛ عقب‌نشینی‌ای که به گفته منابع نظامی بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر فاصله‌گرفتن از منطقه را در پی داشت.

باران موشک و پهپاد

پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه نیز از حملات در امان نماندند. به گفته قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء، در مجموع بیش از ۲ هزار فروند پهپاد و بیش از ۶۰۰ فروند موشک علیه اهداف آمریکایی در منطقه و مواضع رژیم صهیونیستی شلیک شده است؛ آماری که نشان می‌دهد جنگ وارد مرحله‌ای شده که در آن توان عملیاتی ایران به شکل کم‌سابقه‌ای در حال تغییر معادلات میدان است.

شکار جنگنده آمریکایی در آسمان بصره



در میان تحولات مهم روزهای اخیر، خبر هدف قرارگرفتن یک جنگنده دیگر آمریکایی نیز توجه بسیاری را جلب کرد. بر اساس آخرین گزارش‌ها، یک فروند جنگنده F-۱۵ آمریکا در منطقه بصره توسط سامانه‌های پدافندی هدف اصابت قرار گرفت؛ اما یکی از عجیب‌ترین واکنش‌ها به سقوط جنگنده آمریکایی در عراق شکل گرفت. «عشایر طایفه» «الکرامشه» در بصره برای تحویل دادن سر خلبان این جنگنده جایزه‌ای یک میلیون دلاری تعیین کرده‌اند؛ اقدامی که نشان می‌دهد فضای منطقه تاچه‌اندازه علیه حضور نظامی آمریکا ملتهب شده است.

شلیک به خاطرات میلیون‌ها ایرانی

درست پس از آن شدت گرفت که مزدک میرزایی و تیم رسانه‌ای اینترنشنال خط دروغین حضور نیروهای نظامی در اماکن ورزشی را مطرح کردند؛ ادعایی که تلاش می‌کرد این مکان‌ها را به عنوان اهداف نظامی معرفی کند، در حالی که این فضاها با پول مردم ساخته شده‌اند و برای ورزش و نشاط همان مردم استفاده می‌شوند.

نشانه‌ای از نیروی نظامی نیست

اکنون و پس از تخریب این اماکن، هیچ نشانه‌ای از حضور نیروهای نظامی در آن‌ها دیده نمی‌شود؛ مسئله‌ای که دروغ بودن آن ادعاها را آشکار می‌کند. آنچه باقی مانده، سالن‌هایی ویران و خساراتی میلیاردری است که باید دوباره از جیب مردم برای بازسازی آن‌ها هزینه شود.

واکنش جهانی

رومین مولینا، خبرنگار فرانسوی، نیز در واکنش به این اتفاق نوشت: «ایالات متحده و اسرائیل مجموعه ورزشی سرپوشیده آزادی با ۱۲ هزار صندلی را که میزبان مسابقات رسمی بود، تخریب کردند و چندین فدراسیون ورزشی ایران از جمله دوچرخه‌سواری، وزنه‌برداری و قایق‌رانی نیز آسیب دیدند. جالب خواهد بود واکنش کمیته بین‌المللی المپیک را با نزدیک شدن به المپیک لس‌آنجلس ببینیم.»

روزنامه انگلیسی سان نیز این حادثه را «نابودی یکی از مهم‌ترین نمادهای ورزشی ایران» توصیف کرده است. موشک‌هایی که بر سر سالن آزادی فرود آمدند، تنها یک سازه را هدف نگرفتند؛ آن‌ها به روح ورزش و خاطرات میلیون‌ها ایرانی شلیک کردند.



در ادامه حملات جنایت‌کارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی به زیرساخت‌های کشور، این بار یکی از نمادهای مهم ورزش ایران هدف قرار گرفت. سالن دوازده هزار نفری آزادی در مجموعه بزرگ ورزشی آزادی تهران مورد اصابت قرار گرفت و بخش‌های گسترده‌ای از آن تخریب شد؛ سالی که سال‌ها میزبان مسابقات مهم کشتی، والیبال، فوتسال و رویدادهای بزرگ ورزشی کشور بود؛ ضربه‌ای که تنها به یک ساختمان وارد نشده، بلکه به بخشی از خاطرات و هویت ورزشی یک ملت وارد شده است.

خط‌دهی اینترنشنال

اما نکته درخورتوجه آنجاست که تخریب سالن دوازده هزار نفری آزادی، ورزشگاه بعثت، ورزشگاه آزادگان و سالن همایش‌های صداوسیما

گاف عجیب آذربایجان

چه کسانی از تیره‌وتار شدن روابط ۲ کشور سود می‌برند؟



حادثه مشکوک حمله پهپادی به فرودگاه نخجوان، بیش از آنکه یک رویداد نظامی واقعی باشد، به سناریویی مبهم و پرابهام شباهت داشت که با سرعتی غیرمعمول به عرصه اتهام‌زنی سیاسی کشیده شد. تنها ساعاتی پس از انتشار خبر این رخداد، مقامات باکو در اقدامی شتاب‌زده و همسو با برخی رسانه‌های غربی و صهیونیستی، بدون ارائه شواهد معتبر انگشت اتهام را به سوی تهران نشانه رفتند؛ ادعایی که با تکذیب قاطع و رسمی مقامات کشورمان مواجه شد.

اما آنچه بیش از همه، این روایت را زیر سؤال برد، گاف عجیب رسانه‌ای در خود جمهوری آذربایجان بود. تصاویر منتشرشده از بقایای پهپادها در گزارش‌های رسانه‌ای نزدیک به دولت باکو، نشانه‌هایی را آشکار کرد که به صنایع داخلی این کشور نسبت داده می‌شود. همین جزئیات ساده اما مهم، به سرعت فضای رسانه‌ای را دگرگون و فرضیه یک عملیات ساختگی یا دست‌کم سناریویی هدایت‌شده را تقویت کرد.

در چنین شرایطی، پرسش اصلی این است که چه کسانی از تبدیل یک حادثه مبهم به بحران سیاسی میان دو کشور همسایه سود می‌برند. تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که لابی‌های صهیونیستی همواره در پی ایجاد شکاف و بی‌اعتمادی در منطقه بوده‌اند؛ شکافی که -اگر هوشیاری سیاسی جای خود را به هیجان و شتاب‌زدگی بدهد- می‌تواند روابط تاریخی و فرهنگی میان ملت‌ها را قربانی اهداف بیرونی کند.